

بررسی تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه‌ای

سیدحسین افضل‌نیا

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی - مالی، واحد فیروز کوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروز کوه، ایران (نویسنده مسئول).
Hassan.afzalnia@yahoo.com

شماره ۱۶ / زمستان ۱۳۹۸ (جلد اول) / صص ۱۴۳-۱۵۴
چشم انداز حسابداری و مدیریت (دوره دوم)

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی همبستگی از نوع تحقیقات علی (پس رویدادی) می‌باشد. کلیه شرکتهای بیمه‌ای پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ۲۱ شرکت (در بورس و فرابورس) به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب‌شده و در دوره‌ی زمانی ۵ ساله بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. برای اندازه‌گیری متغیر مدیریت سود از مدل کوتاری (۲۰۰۵) استفاده شده است. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. برای اجرای آزمونها و تخمین نهایی مدلها از نرم افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی در شرکتهای بیمه‌ای تاثیر معکوس و معنادار دارد. یعنی در شرکتهایی که حسابرسی آنها توسط موسسات رتبه برتر انجام می‌شود مدیریت سود ارقام تعهدی کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: رتبه بندی موسسات حسابرسی، مدیریت سود، شرکتهای بیمه‌ای.

مقدمه

رویکرد اطلاعاتی مدیریت سود بیان می‌دارد که انتخاب‌های حسابداری برای آشکارسازی انتظارات مدیریت درباره عملکرد آتی شرکت بکار می‌رود. مطالعات قبلی نشان داده است که ارقام تعهدی، اطلاعات داخلی مدیریت را آشکار می‌سازد (آریا، گلور و ساندر^۱، ۲۰۰۳. لویز و رابینسون^۲، ۲۰۰۸) به‌عنوان مثال، در مورد شرکتهایی که تحت شرایط عدم اطمینان عملیاتی زیاد فعالیت می‌کنند، منطقی است که انتظار داشته باشیم مدیران آنها از ارقام تعهدی به‌منظور کاهش نوسان سود استفاده نمایند تا اطلاعات داخلی خود را درباره عملکرد شرکت طی یک دوره منتقل سازند. در حقیقت مدیران ممکن است سودها را برای انتقال علامتی از ثبات سودآوری به سرمایه‌گذاران هموار سازند. قوش و اولسن^۳ (۲۰۰۹) در مطالعه خود نشان دادند که مدیران به هنگام فعالیت شرکت در یک محیط با عدم اطمینان بالا از ارقام

¹ Arya & Glover & Sunder

² Louis & Robinson

³ Ghosh & Olsen

تعهدی برای کاهش نوسان در سود گزارش شده استفاده می‌نمایند. مدیریت سود را می‌توان روشی برای اطلاع رسانی وضعیت مالی شرکت‌ها به سهامداران دانست که از طریق دخالت مدیریت در فرآیند تعیین سود به انجام می‌رسد. مدیریت سود از این جهت که می‌تواند در تهیه گزارش از عملکرد شرکت اعمال نفوذ کند و نتایج مورد نظر خود را منعکس کند، مورد توجه قرار گرفته است (بلکویی، ۱۳۸۱).

کیفیت حسابرس یا حسابرسی به طور ذاتی غیر قابل مشاهده است. دی آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که ارزیابی کیفیت حسابرس مشکل و هزینه بر است. برای همین دی آنجلو (۱۹۸۱) اندازه حسابرس را به عنوان یک نماینده ای از کیفیت حسابرس معرفی می‌کند. دی آنجلو بر نقش استقلال حسابرس تاکید می‌کند و معتقد است که حسابرسان بزرگ به دلیل شهرت بالا و تعداد مشتریان زیاد به احتمال بیشتری استقلال خود را حفظ می‌کنند. براساس دیدگاه دی آنجلو تحقیقات زیادی اندازه حسابرس را بعنوان نماینده ای از کیفیت حسابرس مورد مطالعه قرار داده اند (دالتون و دیگران^۴، ۲۰۱۶). لازم بذکر است که اکثر این پژوهش‌ها نشان داده اند که هشت، شش، پنج و چهار حسابرس بزرگ کیفیت بالاتری نسبت به سایر حسابرسان دارند (واعظ و احمدی، ۱۳۹۳). از طرف دیگر هنوز برای صاحبکاران مشخص نیست که کدام حسابرس، متخصص کدام صنعت هست. هر چند اخیراً پژوهش‌هایی اثر حسابرس متخصص صنعت بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران را بررسی کرده اند. هنوز اطمینان خاطر وجود ندارد که آیا حسابرسان ایرانی می‌توانند در صنعتی متخصص شوند، زمانیکه تقاضای مناسبی برای حسابرس با کیفیت در کشور وجود ندارد (کاهکش و جهانبخش، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران مطرح شد. براین اساس، سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" دسته بندی کرد. طبق این رتبه بندی موسسات گروه "اول" به احتمال زیاد باید کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت حسابرسان معتمد سایر گروه‌ها داشته باشند. بنابراین حسابرسی صاحبکاران بزرگ به موسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" محول شده است (واعظ و دیگران، ۱۳۹۳). در واقع می‌توان گفت که در نبود هیچ معیاری برای کیفیت حسابرس در ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار رتبه بندی را معیاری برای تمایز کیفیت حسابرسان در کشور مطرح کرده است. اما اینکه واقعا موسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" کیفیت حسابرسی بالاتری نسبت به موسسات حسابرسی معتمد سایر گروه‌ها دارند یک سوال پژوهشی که بنظر می‌رسد هنوز پاسخی به آن داده نشده است (یگانه و آذینفر، ۱۳۹۲). با توجه به معیارهای ارزیابی سازمان بورس و اوراق بهادار، می‌توان پیش بینی کرد که موسسات حسابرسی معتمد گروه "اول" باید منابع انسانی (کارکنان و شرکای حسابرسی) با تجربه و کافی، سیستم کنترل کیفیت مناسب، تعداد مشتریان زیاد و استقلال بیشتری داشته باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش‌های قبلی، حسابرسی که چنین خصوصیتی دارند به احتمال زیاد می‌توانند حسابرسی با کیفیتی داشته باشند (واعظ و دیگران، ۱۳۹۳). بنابراین با توجه به مطالب فوق پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چگونه است؟

⁴ Dalton et al

ادبیات و پیشینه پژوهش

مدیریت سود

رسوایی اخیر در انرون و ورلدکام^۵ و شرکت های دیگر این احساس عمومی را در جامعه ایجاد کرد که مدیریت سود اعمال شده توسط مدیران شرکت ها در اکثر مواقع به صورت فرصت طلبانه است، تا بتوانند از این نوع مدیریت سود حداکثر منفعت شخصی را ببرند و کمتر به منافع سهامداران توجه دارند. با قوت گرفتن این ذهنیت در جامعه که در اکثر مواقع مدیریت سود منفی صورت می گیرد، اخیراً قانون گذاران در تعدادی از قوانین مدیریتی برای مقابله با مدیریت سود فرصت طلبانه تجدید نظر کرده اند و مثلاً قانونی وضع کرده اند که اعضای مشخص هیئت مدیره شرکت ها، بایستی مهارت مالی داشته باشند. در عین حال، تعدادی از محققان با مطالعات علمی که انجام داده اند، ادعا دارند که مدیریت سود ممکن بصورت کارآمد (سودمندان) باشد. زیرا آن ها بطور بالقوه اطلاعات سودمند راجع به سود را افزایش می دهند (جیرپورن و دیگران، ۲۰۰۸). جونز و مارشال^۶ (۲۰۰۱) تعریف جامعی در خصوص مدیریت سود ارائه نموده اند. به عقیده آن ها مدیریت سود (دست کاری سود) زمانی اتفاق می افتد که مدیران با استفاده از قضاوت (تشخیص) در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان (شامل سهامداران، اعتباردهندگان، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و ...) درباره عملکرد اقتصادی شرکت با تحت تأثیر قراردادن نتایج قراردادی که به ارقام حسابداری گزارش شده وابسته است، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می کنند.

رتبه بندی شرکت های حسابرسی

طبقه بندی موسسات حسابرسی توسط یک واحد نظارت به عنوان واحد کنترل کیفیت در جامعه حسابداران رسمی و یا واحد کیفیت بورس اوراق بهادار می باشد، که طبق دستورالعمل ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه تقسیم بندی کرده است.

در ایران موضوع رتبه بندی موسسات حسابرسی از سال ۱۳۸۳ مطرح گردید. اساس ارائه این بحث این چنین بود که موسسه های حسابرسی فعال در ایران در اجرای کنترل کیفیت مربوط به خدمات حسابرسی بطور یکسان عمل نمی کنند، و طرح متمایز کردن موسسات حسابرسی بزرگ و کوچک را مطرح شد. در ادامه افزودند که حسابرسی شرکت های بزرگی بزرگی به موسسات حسابرسی با حجم فعالیت و تعداد کارکنان بیشتر و در واقع موسسات حسابرسی بزرگتر واگذار گردد. پس از برگزاری جلسات متعدد در این خصوص، گزارش مکتوبی به سرپرست وقت شورای عالی جامعه حسابداران ارائه گردید. در این خصوص تحقیقاتی در رابطه با موسسات حسابرسی بزرگ دنیا و بورس آمریکا و سازمان نظارت بر شرکت های عمومی انجام گردید که نتیجه آن عدم رتبه بندی موسسات حسابرسی از سوی بورس و رتبه بندی بر اساس کنترل کیفیت اعلام گردید. رتبه بندی موسسات حسابرسی از سوی خبرنگار بین المللی حسابرسی و یا وب سایت های معتبر بین المللی حسابداری انجام می گیرد. همچون رتبه بندی که در سال ۲۰۰۹ به وسیله خبرنگار بین المللی حسابداری اعلام شد و در آن موسسات حسابرسی فعال در کشور انگلستان از لحاظ میزان درآمد در آن سال رتبه بندی شد (دوانی و امانی، ۱۳۸۵).

علاوه بر رتبه بندی بر اساس درآمد، مجلات، بولتن ها و سایر مراکز معتبر رتبه بندی، رتبه بندی موسسات حسابرسی و سایر نهادها بر طبق سایر مواردی همچون تعداد اعضا، دانشجویان شاغل در موسسات حسابرسی و در دیگر نهادها تعداد

⁵ Enron & Worldcom

⁶ Jones & Marshal

اعضای انجمن های حرفه ای جهان و شاغل در انجمن حسابداران کشورهای مختلف و سایر موارد این چنینی را انجام می دهند و تنها محدود به رتبه بندی موسسات حسابرسی نمی باشند (دوانی و امانی، ۱۳۸۵).
برخی از حسابرسان معتقدند چنانچه در آمد موسسات حسابرسی، معیار رتبه بندی قرار گیرد، ممکن است صاحبکاران نسبت به انتخاب حسابرسانی اقدام کنند که کار با کیفیت ارائه نمایند، در پاسخ به این دسته از حسابرسان باید گفت که نمی توان اراده و حق صاحبکار را برای انتخاب حسابرس نقض کرد. به نظر نمی رسد که همه صاحبکاران به دنبال این اندیشه باشند که حسابرسان بدون کیفیت انتخاب کنند مگر اینکه کسانی باشند که چون صرف خود را با کیفیت می دانند عدم انتخاب خود را مستمسک این موضوع قرار دهند. در واقع حسابرسان نیز شبیه به همه خدمات و کالاهای دیگر چنانچه کیفیت و برتری خاصی داشته باشند حتما و الزاما مورد توجه عده ای از مشتریان قرار خواهند گرفت و به مصداق "گل آن است که دیگران بگویند" بازار سرمایه و بازار حسابرسی، نهایتاً به موسسات با کیفیت خوب روی خواهد آورد (دوانی، ۱۳۸۵).

عامل رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران موجب ایجاد تفاوت فاحش در عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی نسبت به کشورهای دیگر شده است. زیرا رتبه بندی موسسات حسابرسی در ایران به عواملی همچون ارزیابی شرکا، ارزیابی کارکنان موسسه حسابرسی، ارزیابی ساختار و سازمان موسسه، ارزیابی تنوع ارائه خدمات و موقعیت موسسات حسابرسی در بازار حرفه ای و نهایتاً ارزیابی کیفیت خدمات است. این در حالی است که موسسات حسابرسی در سایر کشورها برای ارائه خدمات حسابرسی به شرکت های بزرگ بورسی از سوی نهادهایی همچون حسابداران رسمی و بورس و اوراق بهادار رتبه بندی نمی شوند. رتبه بندی موسسات حسابرسی در خارج از ایران از سوی نشریه ها، مجلات و بولتن های معتبر حسابداری و مالی صورت می گیرد که موسسات حسابرسی را بر اساس درآمدهای اعلام شده از سوی ایشان در طی یک سال رتبه بندی می نمایند (مهربان پور و بطهائی پور، ۱۳۹۳).

پیشینه پژوهش

چن و همکاران (۲۰۱۵) رابطه بین اندازه حسابرسی و مدیریت سود در چین را بررسی کرده اند. نتایج نشان می دهد که مدیریت سود برای مشتریان هشت موسسه حسابرسی بزرگ چین کمتر است.
لی و لاینگ (۲۰۱۵) به بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی و رتبه حسابرسی با کیفیت حسابرسی پرداختند. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است به این سوال پاسخ داده شود که آیا طول دوره تصدی و رتبه بندی حسابرس بر کیفیت حسابرسی تاثیر می گذارد؟ تنها متغیر موثر بر متغیر کیفیت حسابرسی متغیر کنترلی اظهار نظر سال قبل می باشد می توان چنین نتیجه گرفت که شرکتها در عملکرد مالی و رعایت استاندارد یک ثبات رویه برخوردار هستند.
کین لای و دیگران^۷ (۲۰۰۸) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت هایی که تحت حسابرسی مؤسسات بزرگ حسابرسی شده اند اقلام تعهدی کمتری نسبت به بقیه شرکتها نشان می دهند و این به خاطر شناخته شده تر بودن و معتبر بودن نام تجاری آن است.

صلاحی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه ی بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و حق الزحمه حسابرسی پرداختند. یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در زمینه حسابرسی و اعتبار بخشی به صورت های مالی، بحث کیفیت کار حسابرسی و به دنبال آن تعیین حق الزحمه حسابرسان است. سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات حسابرسی معتمد را به چهار طبقه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" رتبه بندی کرده است و این رتبه بندی موسسات حسابرسی بیانگر آن است که کیفیت کار موسسات طبقه "اول" نسبت به سایر طبقات بالاتر است. با این وجود پژوهش

⁷ Kin Lo et al

های قبلی انجام شده در زمینه کیفیت کار حسابرسان بر مبنای این رتبه بندی بیان گر آن است که کیفیت کار حسابرسان طبقه "اول" بالاتر از سایر طبقات نیست.

رضایی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی پرداخت. در این پژوهش اقلام تعهدی اختیاری اندازه گیری شده براساس مدل های کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، دیچو و دیچف (۲۰۰۲) و بال و شیواکومار (۲۰۰۶) به عنوان معیارهای کیفیت حسابرسی بکار برده شده اند. نتایج حاصل از برآورد رگرسیون خطی چندگانه نشان می دهد که سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران موسسات خصوصی معتمد طبقه "اول" کمتر از سطح قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران موسسات معتمد سایر طبقات نیست. به عبارت دیگر کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی خصوصی معتمد طبقه "اول" بالاتر از کیفیت حسابرسی موسسات معتمد سایر طبقات نیست. نتایج این پژوهش با انجام چندین آزمون حساسیت پشتیبانی شده است.

کاهکش و اسدینا (۱۳۹۵) به بررسی تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند.

ترشیزی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی رتبه بندی موسسات حسابرسی و اثرات آن پرداختند. حسابرسان مستقل اعتبار صورتهای مالی را افزایش میدهند و تضاد منافع بین مدیران و سهامداران را کاهش میدهد. به طور معمول کیفیت حسابرسی متناسب با اندازه ی شرکت حسابرسی در نظر گرفته می شود. شرکت های حسابرسی بزرگ باید از درجه استقلال بالاتری برخوردار باشند و هم چنین دارای تخصص و منابع کافی باشند که بتوانند کیفیت بالاتری از خدمات حسابرسی ارائه نمایند. در این پژوهش مروری بر تحقیقات انجام شده پیرامون تاثیر اندازه حسابرسی بر کیفیت و استقلال حسابرسی انجام شده است. همچنین تحقیقات انجام شده پیرامون ادغام موسسات حسابرسی و مزایای ادغام مورد بررسی قرار گرفته اند. نتایج تحقیقات بیانگر این بود که موسسات حسابرسی بزرگ کیفیت حسابرسی صورت های مالی را افزایش میدهند و ادغام موسسات حسابرسی مزایایی مانند قدرت تمرکز بالا، افزایش کارایی و کاهش هزینه ها را در پی دارد.

برادران حسن زاده و کامران زاده (۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان "بررسی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بیان کردند که تفکیک مدیریت از مالکیت در شرکت های سهامی باعث دسترسی انحصاری مدیریت به اطلاعات مالی گردیده است. مدیران جهت دستیابی به سود مورد انتظار ممکن است این هدف را از راه افزایش اقلام تعهدی اختیاری دنبال نمایند، زیرا دست کاری وجوه نقد عملیاتی و اقلام تعهدی غیر اختیاری تقریباً غیرممکن می باشد. نتایج نشان داد بین اقلام تعهدی اختیاری و وجوه نقد حاصل از عملیات رابطه معنادار معکوس وجود دارد. این رابطه معکوس قوی بین اقلام تعهدی اختیاری و وجوه نقد عملیاتی، نشان می دهد مدیران شرکت های مذکور به هنگام کاهش وجوه نقد عملیاتی، اقلام تعهدی اختیاری را باهدف دستیابی به سود مورد انتظار خود افزایش داده اند و در هنگام افزایش وجوه نقد عملیاتی، اقدام به کاهش اقلام تعهدی اختیاری نموده اند و یا به عبارتی دست به مدیریت سود زده اند.

فرضیه پژوهش

رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه ای تاثیر دارد.

مدل رگرسیونی برای فرضیه پژوهش

$$EMA_{it} = \beta_0 + \beta_1 Rating_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 lev_{it} + \beta_4 IND_{it} + \beta_5 Instit_{it} + U_{it}$$

متغیر وابسته: مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی (EMA)

کوتاری و همکاران مدلی را طراحی کردند که همانند مدل تعدیل شده جونز بود ولی در آن از نرخ بازده دارایی‌ها نیز استفاده شده بود. آن‌ها در مطالعات خود یافتند که این مدل نتایج قوی تری نسبت به مدل جونز دارد. مدل آن‌ها به صورت زیر بود (کوتاری و همکاران^۸، ۲۰۰۵):

$$\frac{TA_{it}}{A_{it-1}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_4 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل:

TA_{it} : جمع کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t که از حاصل سود خالص منهای وجوه نقد عملیاتی بدست می‌آید.

A_{it-1} : جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

ΔREV_{it} : تغییر در آمد شرکت i بین سال t و $t-1$

PPE_{it} : میزان اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

ROA_{it-1} : نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

ε_{it} : همان جمله خطا می‌باشد.

قدر مطلق پسماندهای مدل، به عنوان مدیریت سود در نظر گرفته شده است.

متغیر مستقل: رتبه شرکت‌های حسابرسی (Rating)

طبقه بندی موسسات حسابرسی توسط یک واحد نظارت به عنوان واحد کنترل کیفیت در جامعه حسابداران رسمی و یا واحد کیفیت بورس اوراق بهادار می‌باشد، که طبق دستورالعمل ماده ۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار موسسات معتمد بورس را به چهار طبقه تقسیم بندی کرده است.

رتبه بندی شرکت‌های حسابرسی یک متغیر ساختگی است بطوریکه اگر حسابرس جزو ۱۹ موسسه حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار (متعلق به طبقه "اول") باشد مساوی یک، و برای سایر موسسات حسابرسی معتمد عدد صفر خواهد گرفت.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (SIZE): در این تحقیق از طریق لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت محاسبه شده است.

اهرم مالی (Lev): اهرم عبارت است از وجود هزینه‌های ثابت در فهرست هزینه‌های شرکت می‌باشد. منظور از اهرم مالی میزان بدهی‌های شرکتها است. هر اندازه درجه اهرم مالی بزرگتر باشد، درجه ریسک مالی بیشتر می‌شود مدیران شرکتها به دلیل مزایای تامین مالی از طریق بدهی، تمایل دارند از این طریق نیازهای مالی شرکت را تامین کنند، اما تامین مالی از طریق بدهی، هزینه بهره را در پی دارد و این موضوع باعث خواهد شد که شرکتها بخشی از درآمدهای خود را در سال‌های آینده صرف پرداخت هزینه‌های تامین مالی کنند. در نتیجه، سودآوری آینده آن‌ها کاهش خواهد یافت. تحقیقات نشان می‌دهد که ریسک نیز می‌تواند از عوامل موثر باشد. در این تحقیق، از نسبت کل بدهی به کل دارایی به عنوان شاخص اهرم مالی استفاده می‌شود.

⁸ Kothari et al

استقلال هیات مدیره (IND): اعضای هیات مدیره که بصورت غیر موظف هستند و مسئولیت اجرایی در شرکت ندارند، بطور موثرتری به وظایف کنترلی و نظارتی خود می پردازند و از ابزارهای لازم استفاده می نمایند. ارگان و همکاران (۲۰۰۵) به بررسی نقش اعضای غیرموظف در فرآیند تصمیم‌گیری پرداختند و به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه مدیران مالی، اعضای غیرموظف در حاکمیت شرکتی خوب، نقش مهمی را ایفا می‌کنند. استقلال هیات مدیره، نشان دهنده نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره به کل اعضای هیات مدیره می‌باشد. طبق دیدگاه تئوری نمایندگی، مدیران غیرموظف وظیفه نظارت بر سایر اعضای هیات مدیره را بر عهده دارند و حقوق آنان بر اساس ساعات حضور آن‌ها در جلسات پرداخت خواهد شد (بنجامین و اهیکیو، ۲۰۰۹). نحوه محاسبه، تقسیم تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره به تعداد کل اعضای هیات مدیره می‌باشد.

مالکیت نهادی (Instit): سهامداران نهادی بخاطر توانایی‌های فنی و مالی، منابع قابل ملاحظه‌ای را برای کنترل شرکت تخصیص می‌دهند و از نظرات کارشناسان خبره مالی برای اداره شرکت استفاده می‌کنند. بوش (۱۹۹۸) نشان می‌دهد که مالکیت نهادی یکی از سازوکارهای کنترل بیرونی موثر بر حاکمیت شرکتی است. سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانکها، شرکتهای بیمه، شرکتهای سرمایه‌گذاری و .. هستند که از طریق جمع‌آوری اطلاعات و ارزیابی تصمیمات مدیریت بطور ضمنی و از طریق اداره نحوه عمل شرکت به طور صریح، بر شرکت نظارت می‌کنند. مگ (۱۹۹۸) نشان داد که نظارت بر شرکت توسط سرمایه‌گذاران نهادی می‌تواند مدیران را وادار به تاکید بیشتر بر عملکرد شرکت و کاهش رفتار فرصت طلبانه یا خویشتن طلبانه کند. طبق بند ۲۱ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار ایران سرمایه‌گذاران نهادی عبارتند از: بانکها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکتهای سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تامین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار. نحوه محاسبه آن، درصد سهام نگهداری شده بوسیله سهامداران نهادی می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از لحاظ روش همبستگی و از لحاظ هدف کاربردی می‌باشد. از جهت نوع طرح تحقیق، تحقیق حاضر از نوع تحقیقات پس رویدادی است. در این نوع تحقیق‌ها، هدف بررسی روابط موجود بین متغیرها است و داده‌ها از محیطی که به گونه‌ای طبیعی وجود داشته‌اند و یا از وقایع گذشته که بدون دخالت مستقیم پژوهش‌گر رخ داده است، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود. در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. به منظور تحلیل داده‌های بدست آمده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. بدین ترتیب که برای توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمونهای اف لیمر، هاسمن استفاده می‌شود.

برای اجرای هر پژوهش لازم است جامعه آماری مشخص و معین شود. برای انتخاب جامعه آماری به شرکتهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رجوع شده است چون اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط حسابداران رسمی، حسابرسی می‌شود، لذا نسبت به اطلاعات سایر شرکتهای از قابلیت اتکاء بالاتری برخوردار است، و دسترسی به این اطلاعات نسبت به سایر شرکتهای راحت‌تر است.

به منظور انجام پژوهش، از سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷، اطلاعات شرکتهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، جمع‌آوری گردید

در نهایت شرکتهای فعال در بیمه ۲۱ شرکت بود که در دوره زمانی ۵ ساله مابین سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
مدیریت سود تعهدی	۱۰۵	۰,۱۷۵	۰,۶۷۲	۰,۰۰۰۱	۰,۱۰۸
اندازه شرکت	۱۰۵	۱۴,۳۱۴	۱۸,۷۳۵	۱۱,۰۷۸	۱,۷۳۲
اهرم مالی	۱۰۵	۰,۴۱۶	۰,۹۰۱	۰,۰۴۴	۰,۲۱۹
استقلال هیئت مدیره	۱۰۵	۰,۶۷۳	۱	۰,۲	۰,۱۸۳
مالکیت نهادی	۱۰۵	۰,۷۸	۰,۹۴	۰,۶۲	۰,۱۱۳

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر مدیریت سود تعهدی برابر با (۰,۱۷۵) می‌باشد که نشان می‌دهد در شرکت‌های عضو نمونه به طور میانگین ۰,۱۷ درصد مدیریت سود داشته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای اندازه شرکت برابر با ۱,۷۳۲ و برای مدیریت سود تعهدی برابر است با ۰,۱۰۸ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین مقدار اهرم مالی برابر با ۰,۹۰ است. سطح اندازه‌گیری برخی از متغیرها شامل مقیاس اسمی و رتبه‌ای می‌باشد که برای متغیرهای کیفی به کار می‌روند. این متغیرها معمولاً دووجهی یا چندوجهی می‌باشند. جدول توزیع فراوانی متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی صورت زیر می‌باشد

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی

عنوان	فراوانی	درصد فراوانی
شرکت‌های حسابرسی شده توسط مؤسسات رتبه الف	۷۶	۷۲,۳۸
شرکت‌های حسابرسی شده توسط سایر مؤسسات حسابرسی	۲۹	۲۷,۶۲
جمع	۱۰۵	۱۰۰

آزمون مانایی متغیرها

مطابق ادبیات اقتصادسنجی لازم است قبل از برآورد مدل، مانایی متغیرها بررسی گردد. برای بررسی وجود ریشه واحد در داده‌های پانل، می‌توان از آزمون لوین لین و چو استفاده کرد که نتایج آن به‌صورت جدول ۳ عرضه می‌گردد.

جدول ۳: آزمون مانایی (لوین، لین و چو) برای تمامی متغیرهای پژوهش

متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدیریت سود تعهدی	-۱۷,۳۲۴۷	۰,۰۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	-۱۱,۲۳۵	۰,۰۰۰۰	مانا است
اهرم مالی	-۱۲,۰۱۶۴	۰,۰۰۰۰	مانا است
استقلال هیئت مدیره	-۹,۱۴۶۲	۰,۰۰۰۰	مانا است
مالکیت نهادی	-۱۳,۴۲۷۸	۰,۰۰۰۰	مانا است

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرها در آزمون مانایی همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

آزمون اف لیمر (چاو)

این آزمون برای تشخیص بین الگوهای اثرات معمولی (pool) و داده‌های تابلویی (panel) صورت می‌گیرد. نتایج حاصل از آزمون اف لیمر برای مدل پژوهش بدین شرح می‌باشد:

جدول ۴: نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۶,۵۳۲	۰,۰۰۰۰	پذیرش الگوی داده‌های تابلویی

نتایج حاصل در جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون برای هر دو مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) می‌باشد.

آزمون هاسمن

در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰,۰۵ باشد ساختار داده‌ای panel انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول ۵: نتایج آزمون هاسمن

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۱۸,۴۱۲	۰,۰۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ

نتایج حاصل در جدول ۵ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون در مدلها کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش اثرات ثابت می‌باشد.

آزمون ناهمسانی واریانس

اگر خطاهای رگرسیون ناهمسان باشند اما محقق بدون در نظر گرفتن این موضوع به فرایند برآورد و استنباط ادامه دهد در این حالت، انحراف معیار می‌تواند اشتباه باشد و بنابراین هرگونه استنباطی که صورت گرفته، می‌تواند گمراه‌کننده باشد بنابراین از آزمون والد تعدیل‌شده برای بررسی ناهمسانی واریانس جملات اخلاص استفاده شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرضیه اول	۴,۰۲۱	۰,۰۰۶۹	ناهمسانی واریانس وجود دارد

نتایج حاصل در جدول ۶ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون در مدلها کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص می‌باشد که این مشکل در تخمین نهایی مدل با اجرای دستور gls رفع شده است.

آزمون خود همبستگی

یکی از فرض‌های اساسی در تخمین مدل رگرسیون به روش OLS عدم خودهمبستگی بین جملات خطا یا همبستگی سریالی است. چون مقادیری که متغیرهای توضیحی در مدل به خود می‌گیرند تصادفی هستند، بنابراین مقادیر خطا نیز باید در کل تصادفی باشند.

جدول ۷: نتایج آزمون خودهمبستگی سریالی

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه پژوهش	۷,۲۴۱	۰,۰۰۱۹	خودهمبستگی سریالی وجود دارد

نتایج حاصل در جدول ۷ نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون والدريج برای مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر وجود خودهمبستگی سریالی در مدل‌ها می‌باشد. که این مشکل در تخمین نهایی مدل‌ها با اجرای دستور Auto Correlation رفع شده است.

نتیجه آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش بیان می‌دارد: رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه‌ای تاثیر دارد.

جدول ۸: نتیجه آزمون فرضیه اول

متغیر وابسته: مدیریت سود تعهدی						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری	هم خطی
رتبه بندی موسسات حسابرسی	Rating _{it}	-۰,۰۰۹	۰,۰۰۴۴	-۲,۰۴	۰,۰۴	۱,۱۱
اندازه شرکت	size _{it}	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۷	-۱,۶۶	۰,۰۹۷	۱,۰۹
اهرم مالی	lev _{it}	۰,۰۱۷	۰,۰۰۸	۲,۰۷	۰,۰۳۸	۱,۵۸
استقلال هیئت مدیره	IND _{it}	۰,۰۰۶	۰,۰۰۹	۰,۶۲	۰,۵۳۳	۱,۳۲
مالکیت نهادی	Instit _{it}	۰,۰۰۴	۰,۰۰۹	۰,۴۹	۰,۶۲۳	۱,۰۲
C						
AR (1)						
ضریب تعیین ۳۶ درصد						
ضریب تعیین تعدیل شده ۳۲ درصد						
آماره F ۱۸,۰۳۸۷						
سطح معناداری ۰,۰۰۰۰						
دوربین واتسون ۱,۱۸۷						

با توجه به جدول ۸، مشاهده می‌شود که متغیر رتبه بندی موسسات حسابرسی دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از پنج درصد می‌باشد بنابراین می‌توان گفت رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود تعهدی تاثیر معکوس دارد و فرضیه پژوهش پذیرفته می‌شود. متغیر کنترلی اندازه شرکت، استقلال هیئت مدیره و مالکیت نهادی دارای سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد بوده بنابراین تاثیر معناداری با متغیر وابسته ندارند. متغیر کنترلی اهرم مالی دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد بوده و ضریب آنها عددی مثبت می‌باشد بنابراین تاثیر مستقیم و معناداری با متغیر وابسته دارد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۳۲ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل

توانسته‌اند ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر برابر با ۱۸,۰۳۸۷ و سطح معناداری آن کمتر از ۵ درصد می‌باشد از این رو می‌توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. مقدار آزمون دوربین واتسون ۱,۱۸۷ است که چون بین ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد بنابراین ناشی از وجود همبستگی بین خطاها می‌باشد.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه‌ای پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکتهای بیمه‌ای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود که تعداد ۲۱ شرکت و در بازه زمانی ۵ ساله بین سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ مورد تحقیق قرار گرفتند. یک فرضیه در این پژوهش مطرح گردید که پس از بررسی و آزمون‌های مربوط به فرضیه مشخص گردید که رتبه بندی موسسات حسابرسی بر مدیریت سود در شرکتهای بیمه‌ای تاثیر دارد و این تاثیر معکوس و معنادار است. یعنی در واحد اقتصادی اگر حسابرسی صورت های مالی توسط موسسات رتبه الف انجام پذیرد منجر به کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی می‌شود. با توجه به نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر با استفاده از سایر مدل های اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی انجام شده و نتایج مقایسه گردد و همچنین می‌توان پژوهش حاضر را در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انجام داده و با نتایج این پژوهش مقایسه کرد و همچنین انجام پژوهش حاضر در صنایع مختلف و مقایسه نتایج پژوهش. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه پژوهش به شرکت های بیمه‌ای توصیه می‌شود برای انجام حسابرسی صورت های مالی با موسسات رتبه الف قرارداد ببندند.

منابع

- ✓ امانی، علی، دوانی، غلامحسین، (۱۳۸۹)، فساد، تقلب، پولشویی و وظیفه‌ی حسابرسان، فصلنامه‌ی حسابداری رسمی، شماره ۱۲.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، آذین فر، کاوه، (۱۳۸۹)، رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۱، صص ۸۳-۹۶.
- ✓ کاهکش، علی محمد، اسدنیاز، جهانبخش، (۱۳۹۵)، تاثیر رتبه بندی موسسات حسابرسی توسط سازمان بورس بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
- ✓ محمدرضا مهربان پور، بطهای پور، سید علی اکبر، (۱۳۹۳)، تاثیر کیفیت و رتبه بندی موسسات حسابرسی بر انتخاب حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری، تهران، ایران.
- ✓ محمدرضائی، فخرالدین، محمدرضائی، مهدی، (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین رتبه موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار و کیفیت حسابرسی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۴، صص ۱-۱۴.
- ✓ واعظ، سیدعلی، احمدی، وریا، (۱۳۹۳)، تأثیر حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و تعداد بند اظهارنظر حسابرسی بر تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی، حسابرسی نظریه و عمل، شماره ۲۱، صص ۱-۲۱.
- ✓ Arya, A., Glover, J., & Sunder, S. (2003). Are unmanaged earnings always better for shareholders? *Accounting Horizons (Supplement)*, 17, 111-116.
- ✓ Ball, R. Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research*, 44 (2) , 207-242.

- ✓ Bushee, B. J.(1998). “The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior“, *Accounting Review*, 73: 305-334.
- ✓ Chen, A.; Peng, N., & Hung, K. (2015). Managing salespeople strategically when promoting new products—Incorporating market orientation into a sales management control framework. *Industrial Marketing Management*, Volume 47, pp.147–155.
- ✓ Chen, T., J. Harford, and C. Lin. (2015). Do analysts matter for governance? Evidence from natural experiments. *Journal of Financial Economics* 115: 383–410.
- ✓ DeAngelo, L. (1981), “Auditor Size and Audit Quality”, *Journal of Accounting and Economics*, 3, PP. 297–322.
- ✓ Dechow, P. and Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings, the Role of Accruals in Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77, 35-59.
- ✓ Ghosh, D., & Olsen, L. (2009). Environmental uncertainty and managers' use of discretionary accruals. *Accounting, Organizations and Society*, 34 (2), 188-205.
- ✓ Jones, Steward, and Rohit Sharma.(2001). “The Impact of Free Cash Flow, Financial Leverage and Accounting Regulation on Earnings Management in Australia’s ‘Old’ and ‘New’ Economies”. *Managerial Finance* 27 (12):18-39.
- ✓ Kothari, S. P. , A. J. Leone, C. E. Wasley, (2005). Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of accounting and economics*, 39, 163-197.
- ✓ Louis, H., & Robinson, D. (2005). Do managers credibly use accruals to signal private information? Evidence from the pricing of discretionary accruals around stock splits. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 361-380.
- ✓ Maug, E., (1998). "Large shareholders as monitors: Is there a trade-off between liquidity and control?" *Journal of Finance* 53, 65–98.